



چهارده اختر تابناک

زندگانی چهارده معصوم علیه السلام

امام هادی علیه السلام

احمد احمدی بیرجندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهارده اختر تابناک : زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام - امام هادی (ع)

نویسنده:

احمد احمدی بیرجندی

ناشر چاپی:

آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ چهارده اختر تابناک : زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام - امام هادی (ع)
۶ مشخصات کتاب
۶ معصوم دوازدهم: حضرت امام علی النقی الهادی - امام دهم
۸ اصحاب و یاران امام دهم
۹ صورت و سیرت حضرت امام هادی (ع)
۹ شهادت امام هادی (ع)
۱۰ زن و فرزندان امام هادی (ع)
۱۰ از سخنان حضرت هادی (ع)
۱۰ پاورقی
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام - امام هادی (ع)

مشخصات کتاب

سرشناسه: احمدی بیرجندی احمد، ۱۳۷۷ - ۱۳۰۱

عنوان و نام پدیدآور: چهارده اختر تابناک: زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام تالیف احمد احمدی بیرجندی مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی موسسه چاپ و انتشارات ۱۳۶۴.

مشخصات ظاهری: [۲۵۶] ص فروست: (موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ۱۴)

شابک: بها: ۳۵۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: چاپ نهم ۱۳۷۲؛ ۷۰۰ ریال یادداشت: چاپ دهم ۱۳۷۴؛ بها: ۲۲۰۰ ریال یادداشت: چاپ هفتم ۱۳۶۹؛ بها: ۴۰۰ ریال یادداشت: چاپ هشتم ۱۳۷۱؛ بها: ۶۰۰ ریال یادداشت: عنوان روی جلد: زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام

یادداشت: کتابنامه ص [۲۵۶]

عنوان روی جلد: زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام

عنوان دیگر: زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام موضوع: چهارده معصوم - سرگذشتنامه شناسه افزوده: آستان قدس رضوی موسسه چاپ و انتشارات رده بندی کنگره: BP۳۶/۵/الف/۳/چ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۶۴-۱۰۴۸

معصوم دوازدهم: حضرت امام علی النقی الهادی - امام دهم

«ز نسل احمد مرسل زودوده‌ی حیدر ز نور فاطمه طاووس باغ علین ستاره‌ای که ز انوار چهره روشن کرد فضای کون و مکان را به نور علم و یقین مه سپهر فضیلت محیط جود و کرم شه سریر ولایت چراغ شرع مبین به سالکان حقیقت دهید مزده که گشت امام هادی (ع) فرمانروا و رهبر دین». «دکتر رسا» [صفحه ۲۱۴] تولد امام دهم شیعیان حضرت امام علی النقی (ع) را نیمه‌ی ذیحجه سال ۲۱۲ هجری قمری نوشته‌اند. پدر آن حضرت، امام محمد تقی جواد الائمه (ع) و مادرش سمانه از زنان درست کردار پاکدامنی بود که دست قدرت الهی او را برای تربیت مقام ولایت و امامت مأمور کرده بود، و چه نیکو وظیفه‌ی مادری را به انجام رسانید و بدین مأموریت خدایی قیام کرد. نام آن حضرت - علی - کنیه‌ی آن امام همام «ابوالحسن» و لقب‌های مشهور آن حضرت «هادی» و «نقی» بود. حضرت امام هادی (ع) پس از پدر بزرگوارش در سن ۸ سالگی به مقام امامت رسید و دوران امامتش ۳۳ سال بود. در این مدت حضرت علی النقی (ع) برای نشر احکام اسلام و آموزش و پرورش و شناساندن مکتب و مذهب جعفری و تربیت شاگردان و اصحاب گرانقدر گام‌های بلند برداشت. نه تنها تعلیم و تعلم و نگاهبانی فرهنگ اسلامی را امام دهم (ع) در مدینه عهده‌دار بود، و لحظه‌ای از آگاهانیدن مردم و آشنا کردن آنها به حقایق مذهبی نمی‌آسود، بلکه در امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه‌ی پنهان و آشکار با خلیفه‌ی ستمگر وقت - یعنی متوکل عباسی - آنی آسایش نداشت. به همین جهت بود که عبدالله بن عمر والی مدینه بنا بر دشمنی [صفحه ۲۱۵] دیرینه و بدخواهی درونی، به متوکل خلیفه‌ی زمان خود نامه‌ای خصومت‌آمیز نوشت، و به آن امام بزرگوار تهمت‌ها زد، و نسبت‌های ناروا داد و آن حضرت را مرکز فتنه‌انگیزی و حتی ستمکاری وانمود کرد و در حقیقت آنچه در شأن خودش و خلیفه‌ی زمانش بود به آن امام معصوم (ع) منسوب نمود، و این همه به جهت آن بود که جاذبه‌ی امامت و ولایت و علم و فضیلتش مردم را از اطراف جهان اسلام به مدینه می‌کشاند و این کوه نظران دون همت که طالب ریاست ظاهری و

حکومت مادی دنیای فریبنده بودند، نمی توانستند فروغ معنویت امام را ببینند. و نیز «مورخان و محدثان نوشته اند که امام جماعت حرمین (مساوی مکه و مدینه) از سوی دستگاه خلافت، به متوکل عباسی نوشت: اگر تو را به مکه و مدینه حاجتی است، علی بن محمد (هادی) را از این دیار بیرون بر، که بیشتر این ناحیه را مطیع و منقاد خود گردانیده است» [۱]. این نامه و نامه‌ی حاکم مدینه نشان دهنده‌ی نفوذ معنوی امام هادی (ع) در سنگر مبارزه علیه دستگاه جبار عباسی است. از زمان حضرت امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) و حوزه‌ی چهار هزار نفری آن دوران پر بار، شاگردانی در قلمرو اسلامی تربیت شدند که هر یک مشعلدار فقه جعفری و دانشهای زمان بودند، و بدین سان پایه‌های دانشگاه جعفری و موضع فرهنگ اسلامی، نسل به نسل نگهبانی شد و امامان شیعه، از دوره‌ی حضرت رضا (ع) به بعد، از جهت نشر معارف جعفری آسوده خاطر بودند، و اگر این فرصت مغتنم در زمان امام جعفر [صفحه ۲۱۶] صادق (ع) پیش نیامده بود، معلوم نبود سرنوشت این معارف مذهبی به کجا می‌رسید؟ به خصوص که از دوره‌ی زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر (ع) به بعد دیگر چنین فرصت‌های وسیعی برای تعلیم و نشر برای امامان بزرگوار ما - که در برابر دستگاه عباسی دچار محدودیت بودند و تحت نظر حاکمان ستمکار - چنانکه باید و شاید پیش نیامد. با این همه، دستداران این مکتب و یاوران و هواخواهان ائمه‌ی طاهرین - در این سالها به هر وسیله‌ی ممکن، برای رفع اشکالات و حل مسائل دینی خود، و گرفتن دستور عمل و اقدام - برای فشرده‌تر کردن صف مبارزه و پیشرفت مقصود و در هم شکستن قدرت ظاهری خلافت به حضور امامان والا قدر می‌رسیدند و از سرچشمه‌ی دانش و بینش آنها، بهره‌مند می‌شدند [۲] و این دستگاه ستمگر حاکم و کارگزارانش بودند که از موضع فرهنگی و انقلابی امام پیوسته هراس داشتند و نامه‌ی حاکم مدینه و مانند آن، نشان دهنده‌ی این هراس همیشگی آنها بود. دستگاه حاکم، کم‌کم متوجه شده بود که حرمین (مکه و مدینه) ممکن است به فرمانبری از امام (ع) در آیند و سر از اطاعت خلیفه‌ی وقت در آورند. بدین جهت پیک در پیک و نامه در پی نامه نوشتند، تا متوکل عباسی دستور داد امام هادی (ع) را از مدینه به سامرا - که مرکز حکومت وقت بود - انتقال دهند. متوکل امر کرد حاجب مخصوص وی حضرت هادی (ع) را در نزد خود زندانی کند و سپس آن حضرت را در محله‌ی عسکر سالها نگاه دارد تا همواره زندگی امام، تحت نظر دستگاه خلافت باشد. [صفحه ۲۱۷] برخی از بزرگان مدت این زندانی و تحت نظر بودن را - بیست سال - نوشته‌اند. پس از آنکه حضرت هادی (ع) به امر متوکل و به همراه یحیی بن هرثمه که مأمور بردن حضرت از مدینه بود، به سامرا وارد شد، والی بغداد اسحاق بن ابراهیم طاهری از آمدن امام (ع) به بغداد با خبر شد، و به یحیی بن هرثمه گفت: ای مرد، این امام هادی فرزند پیغمبر خدا (ص) می‌باشد و می‌دانی متوکل نسبت به او توجهی ندارد اگر او را کشت، پیغمبر (ص) در روز قیامت از تو بازخواست می‌کند. یحیی گفت: به خدا سوگند متوکل نظر بدی نسبت به او ندارد. نیز در سامرا، متوکل کارگزاری ترک داشت به نام وصیف ترکی. او نیز به یحیی سفارش کرد در حق امام مدارا و مرحمت کند. همین وصیف خبر ورود حضرت هادی را به متوکل داد. از شنیدن ورود امام (ع) متوکل به خود لرزید و هراسی ناشناخته بر دلش چنگ زد. از این مطالب که از قول یحیی بن هرثمه مأمور جلب امام هادی (ع) نقل شده است درجه‌ی عظمت و نفوذ معنوی امام در متوکل و مردان درباری به خوبی آشکار می‌گردد، و نیز این مطالب دلیل است بر هراسی که دستگاه ستمگر بغداد و سامرا از موقعیت امام و موضع خاص او در بین هواخواهان و شیعیان آن حضرت داشته است. باری، پس از ورود به خانه‌ای که قبلا در نظر گرفته شده بود، متوکل از یحیی پرسید: علی بن محمد چگونه در مدینه می‌زیست؟ یحیی گفت: جز حسن سیرت و سلامت نفس و طریقه‌ی ورع و پرهیزگاری و بی‌اعتنایی به دنیا و مراقب بر مسجد و نماز و روزه از او چیزی ندیدم، و چون خانه‌اش را - چنانکه دستور داده بودی - بازرسی کردم، جز قرآن مجید و کتابهای علمی چیزی نیافتم. متوکل از شنیدن این خبر خوشحال شد، و احساس آرامش کرد. [صفحه ۲۱۸] با آنکه متوکل از دشمنان سرسخت آل علی (ع) بود و بنا به دستور او بر قبر منور حضرت سیدالشهداء (ع) آب بستند و زیارت کنندگان آن مرقد مطهر را از زیارت مانع شدند، و دشمنی یزید و یزیدیان را نسبت به خاندان رسول اکرم (ص) تازه گردانیدند، با این همه در برابر شکوه و هیبت حضرت

هادی (ع) همیشه بیمناک و خاشع بود. مورخان نوشته‌اند: مادر متوکل نسبت به مقام امام علی النقی (ع) اعتقادی بسزا داشت. روزی متوکل مریض شد و جراحی پیدا کرد که اطباء از علاجش درماندند. مادر متوکل نذر کرد اگر خلیفه شفا یابد مال فراوانی خدمت حضرت هادی هدیه فرستد. در این میان به فتح بن خاقان که از نزدیکان متوکل بود گفت: یک نفر را بفرست که از علی بن محمد درمان بخواهد شاید بهبودی یابد. وی کسی را خدمت آن حضرت فرستاد امام هادی فرمود: فلان دارو را بر جراح او بگذارید به اذن خدا بهبودی حاصل می‌شود. چنین کردند، آن جراح بهبودی یافت. مادر متوکل هزار دینار در یک کیسه چرمی سر به مهر خدمت امام هادی (ع) فرستاد. اتفاقاً چند روزی از این ماجرا نگذشته بود که یکی از بدخواهان به متوکل خبر داد دینار فراوانی در منزل علی بن محمد النقی دیده شده است. متوکل سعید حاجب را به خانه آن حضرت فرستاد. آن مرد از بالای بام با نردبان به خانه امام رفت. وقتی امام متوجه شد، فرمود همان جا باش تا چراغ بیاورند تا آسیبی به تو نرسد. چراغی افروختند. آن مرد گوید: دیدم حضرت هادی به نماز شب مشغول است و بر روی سجاده نشسته. امام فرمود: خانه در اختیار توست. آن مرد خانه را تفتیش کرد. چیزی جز آن کیسه‌ای که مادر متوکل به خانه امام فرستاده بود و کیسه [صفحه ۲۱۹] دیگری سر به مهر در خانه‌ی وی نیافت، که مهر مادر خلیفه بر آن بود. امام فرمود: زیر حصیر شمشیری است آن را با این دو کیسه بردار و به نزد متوکل بر. این کار، متوکل و بدخواهان را سخت شرمند کرد. امام که به دنیا و مال دنیا اعتنایی نداشت پیوسته با لباس پشمینه و کلاه پشمی روی حصیری که زیر آن شن بود مانند جد بزرگوارش علی (ع) زندگی می‌کرد و آنچه داشت در راه خدا انفاق می‌فرمود. با این همه، متوکل همیشه از اینکه مبادا حضرت هادی (ع) بر وی خروج کند و خلافت و ریاست ظاهری بر وی بسر آید بیمناک بود. بدخواهان و سخن‌چینان نیز در این امر نقشی داشتند. روزی به متوکل خبر دادند که: «حضرت علی بن محمد در خانه‌ی خود اسلحه و اموال بسیار جمع کرده و کاغذهای زیاد است که شیعیان او، از اهل قم، برای او فرستاده‌اند». متوکل از این خبر وحشت کرد و به سعید حاجب که از نزدیکان او بود دستور داد تا بی‌خبر وارد خانه‌ی امام شود و به تفتیش پردازد. این قبیل مراقبت‌ها پیوسته - در مدت ۲۰ سال که حضرت هادی (ع) در سامره بودند - وجود داشت. و نیز نوشته‌اند: «متوکل عباسی سپاه خود را که نود هزار تن بودند از اتراک و در سامرا اقامت داشتند امر کرد که هر کدام توپره‌ی اسب خود را از گل سرخ پر کنند، و در میان بیابان وسیعی، در موضعی روی هم بریزند. ایشان چنین کردند. و آن همه به منزله‌ی کوهی بزرگ شد. اسم آن را تل «مخالی» [۳] نهادند آن گاه خلیفه بر آن تل بالا رفت و حضرت امام علی [صفحه ۲۲۰] النقی (علیه‌السلام) را نیز به آنجا طلبید و گفت: شما را اینجا خواستم تا مشاهده کنید سپاهیان مرا. و از پیش امر کرده بود که لشکریان با آرایشهای نظامی و اسلحه تمام و کمال حاضر شوند، و غرض او آن بود که شوکت و اقتدار خود را بنمایاند، تا مبادا آن حضرت یا یکی از اهل بیت او اراده‌ی خروج بر او نمایند» [۴]. در این مدت ۲۰ سال زندگی امام هادی (ع) در سامرا، به صورتهای مختلف کار گزاران حکومت عباسی، مستقیم و غیرمستقیم، چشم مراقبت بر حوادث زندگی امام و رفت و آمدهایی که در اقامتگاه امام (ع) می‌شد، داشتند از جمله: «حضور جماعتی از بنی‌عباس، به هنگام فوت فرزند امام دهم، حضرت سید محمد - که حرم مطهر وی در نزدیکی سامرا (بلد) معروف و مزار است - یاد شده است. این نکته نیز می‌رساند که افرادی از بستگان و مأموران خلافت، همواره به منزل امام سر می‌زده‌اند [۵].

اصحاب و یاران امام دهم

در میان اصحاب امام دهم، بر می‌خوریم به چهره‌هایی چون «علی بن جعفر میناوی» که متوکل او را به زندان انداخت و می‌خواست بکشد. دیگر ادیب معروف، ابن‌السکیت که متوکل او را شهید کرد. و علت آن را چنین نوشته‌اند که دو فرزند متوکل خلیفه عباسی در نزد ابن‌سکیت درس می‌خواندند. متوکل از طریق فرزندان خود کم‌کم، متوجه شد که ابن‌سکیت از هواخواهان علی (ع) و آل علی (ع) است. متوکل که از دشمنان سرسخت آل علی (ع) بود روزی ابن‌سکیت را [صفحه ۲۲۱] به حضور خود خواست و از وی

پرسید: آیا فرزندان من شرف و فضیلت بیشتر دارند یا حسن و حسین فرزندان علی (ع)؟ ابن‌سکیت که از شیعیان و دوستان با وفای خاندان علوی بود، بدون ترس و ملاحظه جواب داد: فرزندان تو نسبت به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که دو نوگل باغ بهشت و دو سید جنت ابدی الهی‌اند قابل قیاس و نسبت نیستند. فرزندان تو کجا و آن دو نور چشم دیده‌ی مصطفی کجا؟ آنها را با قنبر غلام حضرت (ع) هم نمی‌توان سنجید. متوکل از این پاسخ گستاخانه سخت برآشفته. در همان دم دستور داد زبان ابن‌سکیت را از پشت سردرآوردند و بدین صورت آن شیعی خالص و یار راستین امام دهم (ع) را شهید کرد [۶]. دیگر از یاران حضرت هادی (ع) حضرت عبدالعظیم حسنی است. بنا بر آنچه محدث قمی در منتهی الآمال آورده است: «نسب شریفش به چهار واسطه به حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام منتهی می‌شود... از اکابر محدثین و اعظم علماء و زاهدان و عابدان روزگار خود بوده است و از اصحاب و یاران حضرت جواد (ع) و حضرت امام هادی (ع) بود. صاحب بن عباد رساله‌ای مختصر در شرح حال آن جناب نوشته. نوشته‌اند: «حضرت عبدالعظیم از خلیفه زمان خویش هراسید و در شهرها به عنوان قاصد و پیک گردش می‌کرد تا به ری آمد و در خانه مردی [صفحه ۲۲۲] از شیعیان مخفی شد...» [۷]. «حضرت عبدالعظیم، اعتقاد راسخی به اصل امامت داشت. چنین استنباط می‌شود که ترس این عالم محدث زاهد از قدرت زمان، به خاطر زاهد بودن و حدیث گفتن وی نبوده است، بلکه به علت فرهنگ سیاسی او بوده است. او نیز مانند دیگر داعیان بزرگ و مجاهد حق و عدالت، برای نشر فرهنگ سیاسی صحیح و تصحیح اصول رهبری در اجتماع اسلامی می‌کوشیده است، و چه بسا از ناحیه‌ی امام، به نوعی برای این کار مأموریت داشته است. زیرا که نمی‌شود کسی با این قدر و منزلت و دیانت و تقوا، کسی که حتی عقاید خود را بر امام عرضه می‌کند تا از درست بودن آن عقاید، اطمینان حاصل کند - به طوری که حدیث آن معروف است - اعمال او، به ویژه اعمال اجتماعی و موضعی او، بر خلاف نظر و رضای امام باشد. حال چه به این رضایت تصریح شده باشد، یا خود حضرت عبدالعظیم با فرهنگ دینی و فقه سیاسی بدان رسیده باشد» [۸].

صورت و سیرت حضرت امام هادی (ع)

حضرت امام دهم (ع) دارای قامتی نه بلند و نه کوتاه بود. گونه‌هایش اندکی برآمده و سرخ و سفید بود. چشمانش فراخ و ابروانش گشاده بود. امام هادی (ع) بذل و بخشش بسیار می‌کرد. امام آن چنان شکوه و هیبتی داشت که وقتی بر متوکل خلیفه جبار عباسی وارد می‌شد او و درباریان بی‌درنگ به پاس خاطر وی و احترامش برمی‌خاستند. [صفحه ۲۲۳] خلفائی که در زمان امام (ع) بودند: معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، همه به جهت شیفتگی نسبت به قدرت ظاهری و دنیای فریبنده با خاندان علوی و امام همام حضرت هادی دشمنی دیرینه داشتند و کم و بیش دشمنی خود را ظاهر می‌کردند ولی همه، به خصال پسندیده و مراتب زهد و دانش امام اقرار داشتند، و این فضیلت‌ها و قدرت‌های علمی و تسلط وی را بر مسائل فقهی و اسلامی به تجربه، آزموده و مانند نیاکان بزرگوارش (ع) در مجالس مناظره و احتجاج، وسعت دانش وی را دیده بودند. شبها اوقات امام (ع) پیوسته به نماز و طاعت و تلاوت قرآن و راز و نیاز با معبود می‌گذشت. لباس وی جبه‌ای بود خشن که بر تن می‌پوشید و زیر پای خود حصیری پهن می‌کرد. هر غمگینی که بر وی نظر می‌کرد شاد می‌شد. همه او را دوست داشتند. همیشه بر لبانش تبسم بود، با این حال هیبتش در دل‌های مردم بسیار بود.

شهادت امام هادی (ع)

امام دهم، حضرت هادی (ع) در سال ۲۵۴ هجری به وسیله‌ی زهر به شهادت رسید. در سامرا در خانه‌ای که تنها فقط فرزندش امام حسن عسکری بر بالین او بود. معتمد عباسی امام دهم را مسموم کرد. از این سال امام حسن عسکری پیشوای حق شد و بار تعهد

امامت را بر دوش گرفت. و در همان خانه‌ای که در آن بیست سال زندانی و تحت نظر بود، سرانجام به خاک سپرده شد.

زن و فرزندان امام هادی (ع)

حضرت هادی (ع) یک زن به نام سوسن یا سلیل و پنج فرزند داشته است. [صفحه ۲۲۴] ۱ - ابومحمد حسن علیه‌السلام (امام عسکری (ع) یازدهمین اختر تابناک ولایت و امامت است) - ۲ - حسین - ۳ - سید محمد که یک سال قبل از پدر بزرگوارش فوت کرد، جوانی بود آراسته و پرهیزگار که بسیاری گمان می‌کردند مقام ولایت به وی منتقل خواهد شد. قبر مطهرش که مزار شیعیان است در نزدیکی سامرا می‌باشد. ۴ - جعفر. ۵ - عایشه، یا به نقل شادروان شیخ عباس قمی «علیه».

از سخنان حضرت هادی (ع)

۱ - هر که از خود راضی و خود پسند باشد مردم بر او خشمناک می‌شوند. - ۲ - مصیبت شخص صبر کننده یکی است، اما برای آن که در مصیبت جزع و بی‌تابی کند دو تا است. ۳ - بیهوده گوئی و شوخی کردن، خوش منشی بی‌خردان و صفت نادانان است. ۴ - بیداری بسیار موجب افزایش لذت خواب می‌شود، و گرسنگی بسیار، خوشی و خوبی طعام را افزون می‌کند. ۵ - مقدرات، چیزهایی را به تو نشان دهد که حتی به دل تو خطور نکرده‌اند. ۶ - حکمت در طبعهای فاسد تاثیر نمی‌کند. ۷ - خدا را بقیعه‌هاست که دوست دارد در آنها به درگاه او دعا شود، و او [صفحه ۲۲۵] آن دعاها را به اجابت رساند و حائر حسین (ع) یکی از آنهاست. ۸ - هر که از خدا پروا کند مردم از او پروا کنند. هر که خدا را اطاعت کند، از او اطاعت کنند. هر که مطیع خداست باک از خشم مخلوق ندارد، هر که خدا را به خشم آورد، باید یقین کند که به خشم مخلوق دچار می‌شود. ۹ - به راستی خدا را نتوان وصف کرد، جز بدانچه خودش خود را وصف کرده. کجا وصف شود آنکه حواس از درکش عاجز است و او هام بدو نرسد.

پاورقی

- [۱] امام در عینیت جامعه، محمدرضا حکیمی ص ۸۲.
- [۲] مأخذ قبل صفحات ۸۴ و ۸۵ با تلخیص و اندکی تغییر.
- [۳] مخالی جمع (مخلاة) است یعنی توبره.
- [۴] امام در عینیت جامعه، ص ۹۵، به نقل از منتهی الآمال.
- [۵] همان مأخذ ص ۸۸.
- [۶] جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام، استاد شهید مطهری، ص ۲۴.
- [۷] از منتهی الآمال شیخ عباس قمی با اندکی تغییر.
- [۸] امام در عینیت جامعه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه‌السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگووار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی، بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

